**فلسفه و دلائل غیبت**

پیامبر اكرم و ائمه اطهار(علیهم‎السلام) نخستین كسانى هستند كه به منظور رفع شبهات، از علت غیبت سخن رانده‎اند و در مجموعه‎هاى روایى، احادیث زیادى در این باب جمع آورى شده است .

نعمانى از على (علیه‎السلام) نقل مى‎كند كه ایشان دلیل غیبت را غربال انسان‎هاى صالح از گمراه و دانا از نادان مى‎داند1 و بر اساس روایت دیگرى حضرت در منبر كوفه فرمود:

«زمین، از حجت الهى خالى نمى‎ماند، ولى خداوند به دلیل ستم پیشه بودن خلق و ستم و زیاده روى، آنان را از وجود حجت بى بهره مى‎سازد.»2

روایات دیگرى كه بیشتر در عصر تقیه جمع آورى شده‎اند، حاكى از این هستند كه بشر قادر به درك فلسفه حقیقى غیبت نیست و این راز پس از ظهور آشكار خواهد شد.

در دوران امامت حضرت باقر(از 5 تا 114 ه - ق ) و حضرت صادق (از 114 تا 148 ه‍ ق ) با توجه به نهضت‎هاى دینى و بازار گرم مناظره‎هاى مذهبى و ضرورت نقد عقاید كیسانیه، زیدیه، غلات و اسماعیلیه، در خصوص غیبت امام به فلسفه غیبت توجه بیشترى صورت گرفت. روایات زیادى از امام صادق(علیه‎السلام) در این زمینه به دست ما رسیده است .

عبیدالله بن فضل هاشمى مى‎گوید: از امام ششم شنیدم كه فرمود:

«صاحب الامر، غیبتى دارد كه تخلف ناپذیر است و هر جوینده باطلى در آن به شك مى‎افتد و اجازه نداریم علت آن را بیان كنیم. حكمت غیبت، همان حكمتى است كه در غیبت حجت‎هاى پیشین وجود داشته است و پس از ظهور، روشن خواهد شد، چنانكه حكمت كارهاى خضر از شكستن كشتى و كشتن پسر بچه و بر پاداشتن دیوار شكسته وقتى براى موسى روشن شد كه آن دو، از هم جدا شدند. غیبت امرى از امور الهى و سرّى از اسرار و غیبتى است از غیبت‎هاى او.»3

در روایت دیگرى، امام صادق(علیه‎السلام) علت غیبت را آزمایش الهى مى‎داند.4

از دید امام جعفر صادق(علیه‎السلام) تصدى خلافت توسط عباسیان به معناى غصب حقوق سیاسى ایشان، به عنوان پیشواى بر حق مسلمانان بود و عباسیان از همان ابتدا نسبت به ایشان و علویان بدگمان شدند. امام كه سیاست تقیه را در پیش گرفته بود، احادیثى را در زمینه غیبت امام عصر (علیه‎السلام) در میان راویان حدیث شیعه نشر داد و این نكته را روشن ساخت: بر امام منصوص الهى، لازم نیست، قیام كند، تا حقوق سیاسى خود را به دست آورد. او باید رهبرى

روحانى خود را داشته باشد و وظایف خویش را انجام دهد تا زمانى كه جامعه خود، به اندازه كافى از آگاهى و شعور سیاسى برخوردار شود و با مراجعه به ائمه (علیهم السلام) خواستار برقرارى حكومت اسلامى و شیعى گردد.

بر مبناى همین عقیده بود كه امام صادق(علیه‎السلام) آشكار اعلام كرد: مهدى: به قدرت سیاسى دست خواهد یافت.5

امام صادق(علیه‎السلام) به گونه روشن، بیان كرد كه كدام یك از فرزندان ایشان، مهدى شمرده مى‎شود6 و پیش از ظهورش او را غیبتى باید و منشاء او چیزى جز خوف از كشته شدن7 و عدم آمادگى مردمان نیست8 و به دوستان خود توصیه كرد كه در هر بامداد و پسین در انتظار فرج باشند.9

در بیان امام صادق(علیه‎السلام) فلسفه غیبت و انتظار رابطه تنگاتنگى دارند و هر دو، به فعل انسان‎ها باز مى‎گردند. چون این مردم هستند كه شایستگى خود را براى ظهور یا عدم ظهور امام غایب به نمایش مى‎گذارند و با كارهاى ناپسند خود بین خویشتن و امام حجاب مى‎گردند از این روى به همه شیعیان خود سفارش مى‎كند:

«در دولت باطل خموش و چموش باشند و در انتظار دولت حق به سر برند و بدانند كه خدا، حق را به كرسى خواهد نشاند و باطل را محو خواهد ساخت.»

از آنان مى‎خواهد: با آرامش بر دیندارى خود صبر كنند.10

امام صادق(علیه‎السلام) از ستمى كه بر شیعیان اعمال مى‎شد غفلت نداشت و به همین دلیل تعمق در فلسفه و علت غیبت را سفارش مى‎كرد.

امام صادق(علیه‎السلام) به عمار ساباطى فرمود:

«شما، به چشم خود نگاه كنید كه حق امام شما و حق خود شما در دست ستمكاران است. آنان جلو شما را گرفته‎اند و دارایى شما را برده‎اند و شما را ناچار كرده‎اند به كشت و كار تلاش براى گذران و خرج دنیا و طلب معاش زندگى و صبر بر دیندارى خودتان و عبادت مخصوص به خودتان و اطاعت از امام خودتان با بیم از دشمن.11

**پی نوشت ها:**

1- غیبت نعمانى، ترجمه جواد غفارى، ص 202

2- همان، ص 203

3- كمال الدین، ج 2، ص 158

4- غیبت نعمانى، ص  243.

5- كمال الدین، ص 59.

6- اصول كافى، كلینى، ج 1، ص 43

7- همان، ص 338

8- همان،

9- همان .

10- همان، ص 333

11- همان

برگرفته از کتاب چشم به راه مهدى، جمعى از نویسندگان مجله حوزه